



## مطالعه و بررسی بافت سنتی چادرشب و نقوش گیاهی بکار رفته در آن (مورد مطالعه: قاسم آباد گیلان)

علی محمودی عالمی

دکتری تاریخ هنر، استادیار گروه هنر دانشگاه مارلیک نوشهر، مازندران، ایران.

عذرا رجبی ورازگائی

دانشجو کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس دانشگاه مارلیک نوشهر، مازندران، ایران.

### چکیده

یکی از نمادهای فرهنگی در کشورهای مختلف جهان و ایران، لباس محلی است. چادرشب دست بافت ارزشمندی است که بوسیله دستگاه پاچال و بصورت دستی بافته می شود. این قطعات با توجه به اقلیم مناطق در طرح، رنگ، شکل های متفاوتی بوده و معمولاً به شکل بداهه واکثراً به صورت منقوش بافته می شود. در این بافت می توان ردپایی از هنر دوران گذشته و همینطور تاثیر طبیعت و فرهنگ بومی هر منطقه را دید این بافته ی زیبا حاصل ذوق بانوان گیلانی است که رنگ ها را به پهنای طبیعت زیبای گیلان درهم تنیده و پوشش زیبایی را خلق کردند که هنوز هم زنده است. در این راستا در این مقاله با هدف شناخت پیشینه بافت چادر شب و تحلیل نقشمایه های گیاهی موجود در چادر شب زنان قاسم آباد گیلان سعی در استفاده از این دست بافته کهن در دنیای مدرن امروز داشته ایم. و نتایج حاصل از این بررسی، نشان می دهد که شیوه زندگی، اعتقادات و باورها، رسوم و حتی جغرافیایی محل زندگی روستایی بافنده در شکل گیری نقوش بکار رفته در چادر شب تاثیر داشته است. همچنین لباس محلی گیلان به واسطه تنوع رنگ و نوع پوشش یکی از بهترین لباس های محلی است که به جا مانده از نیاکان ما باید به عنوان هویت ملی، میراث جهانی و فرهنگی حفظ و ماندگار شود.

**واژگان کلیدی:** چادرشب، میراث جهانی، بافت سنتی، نقوش گیاهی، دستگاه پاچال



## ۱- مقدمه

چادرشب پارچه‌ای سنتی زیبا و رنگارنگ است که در استان گیلان، مازندران و خراسان و یزد بافته می‌شود. چادرشب‌های مناطق مختلف ایران از نظر طرح و رنگ تقریباً شبیه یکدیگر هستند ولی چادرشب قاسم آباد گیلان به دلیل برخی طرح‌ها و رنگ‌های خاص آن ارزش هنری بیشتری برخوردار است (جلالی، ۱۳۷۶). گفته می‌شود از این دست بافته به عنوان روانداز استفاده می‌کردند به همین دلیل به چادرشب معروف است (سید صدر، ۱۳۸۶). چادرشب گیلان، عناصر تصویری خاصی را در خود حفظ کرده است. در مناطق مختلف گیلان، هنرمندان قرن گذشته که ارتباط چندانی با کارکردها و سلیقه شهری نداشتند دست بافته‌های خود را با نقوش سنتی مرتبط با گذاشته‌ها تزیین می‌کردند. براین مبنا، از مناطق کوهستانی گیلان زمین دست بافته‌هایی داریم که نقش و تصویر روی آنها، ما را با گذشته‌های دور پیوند می‌دهند (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴). نقوش چادرشب قاسم آباد گیلان منعکس کننده نقوش ظروف یافت شده در منطقه مارلیک و املش است (نگهبان، ۱۳۷۶). با مقایسه آثار محوطه‌های مارلیک و املش با سبک‌های چادرشب قاسم آباد، به جزئیات تصویری مشترک فراوانی دست می‌یابیم که گواه بر این است که این مفهوم قرن‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد (عابد دوست و همکاران، ۱۳۹۳). این بافته قدیمی‌ترین صنایع دستی مردم قاسم آباد گیلان است که ریشه تاریخی در فرهنگ و آداب و رسوم دیرینه مردم این دیار دارد (موسوی، ۱۳۸۳). امروزه نمونه‌های بسیار قدیمی چادرشب در دسترس نیست و نمونه‌های جدید ترجیحاً به دلایل اقتصادی فاقد نقوش تزئینی هستند. این روند باعث می‌شود در طول زمان چادرشب‌های منقوش کمتر در دسترس پژوهندگان و هنرمندان قرار گیرد.

## ۲- تاریخچه بافت چادرشب در گیلان

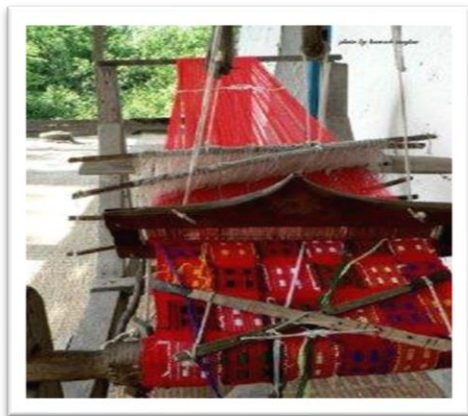
دست بافته‌های پشمی در نواحی شمال ایران از جمله گیلان به ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. مردم این نواحی در آن روزگاران به پرورش بز و گوسفند و کشت قله اشتغال داشتند و از پشم بز و گوسفند تن پوش و کلاه و پای افزار می‌بافتند و کار دوختن را نیز با سوزن‌های شاخکدار انجام می‌دادند. نقش جامه‌های نفیس و فاخر شاهان و بزرگان با طرح‌هایی بسیار زیبا بر روی مجسمه‌ها و ظرف‌های فلزی متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد نشان می‌دهد که طی چند هزار سال پیشرفت‌های قابل توجهی در این رشته نصیب بافندگان هنرمند شده است. متأسفانه آب و هوای مرطوب گیلان جز در موارد محدود اجازه نداده است آثار کهن دست بافته‌های پشمی و نخی به دست ما برسد. حتی آثار باقیمانده در مقابر باستانی غالباً در ضمن حفاری تبدیل به گرد و غبار شده است اما از نمونه‌های نادری که در حفاری‌های کشف شده و از نقوش متنوعی که بر روی ساخته‌های فلزی باقی مانده می‌توان تا حدودی به چگونگی دست بافته‌های پشمی و نخی و نیز مهارت و تجربه پدید آورندگان آنها پی برد. در حفاری مارلیک آثاری از پارچه‌ها و نوار و نخ به دست آمده که متعلق به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره قبل از میلاد است و با زمان حدود ۳۰۰۰ سال فاصله دارد (نگهبان، ۱۳۷۶). در دوره‌ی ساسانی ابریشم به مقدار قابل توجهی از چین وارد می‌شد در خود کشور هم پرورش کرم ابریشم و صنعت ابریشم به وفور و مرغوبی تمام رواج یافته بود (کریشمن، ۱۳۷۱). پس از آنکه ابریشم چین به گیلان رسید، بافندگان هنرمند گیلانی با مهارت و تجربه طولانی که در بافتن پارچه‌های پشمی و نخی داشتند به تولید دستباف‌های ابریشمی پرداختند. از آن زمان تا کنون بافت انواع پارچه‌ها و منسوجات ابریشمی در نقاط مختلف گیلان به ویژه قاسم آباد و دیگر روستاهای رودسر ادامه دارد (نگهبان، ۱۳۷۶).

## ۳- دستگاه بافندگی چادرشب

در قاسم آباد گیلان با استفاده از دستگاه‌های ساده بافندگی و با شیوه پود گذاری مضاعف (تصویر ۱) و به کمک مواد اولیه‌ای که از ابریشم طبیعی نخ پنبه‌ای و گاه ابریشم مصنوعی اقدام به تولید چادرشب می‌کنند (باوری و همکاران، ۱۳۸۹). متداول



ترین دستگاه بافت دستی پاچال است (جدول ۱). این دستگاه دارای دو ردیف نورد است و با پدال کار می کند و با توجه به عرض دستگاه، حداکثر پهنای تولید آن ۳۰ تا ۴۰ سانتی متر و طول آن متناسب با کاربرد و نوع مصرف متغیر است (مجایی، ۱۳۸۸).



تصویر ۱- دستگاه بافندگی چادرشب (موزه مجازی میراث معنوی ایران)

جدول ۱- اجزای تشکیل دهنده دستگاه بافندگی پاچال (نگارندگان)

ردیف	اجزا دستگاه	تعریف اجزا دستگاه
۱	نورد	دستگاه بافندگی از دو نورد یکی در عقب دستگاه و یکی در جلو تشکیل شده است. نورد عبارت است از میله ای چوبی که بر روی نورد عقب الیاف چله کشی شده و بر روی نورد جلو الیاف بافته شده پیچیده می شود.
۲	ورد	ورد شامل دو تکه چوب در بالا و پایین می باشد که بین این دو چوب الیافی به صورت پیچ خورده در هم قرار گرفته اند جنس الیاف از پنبه یا نایلون می باشد که با رد کردن لیف از لای این نخ ها (به صورت یکی در میان از بالا و پایین نخ ها رد می شود) که تارهای بالا و پایین (دهانه کار) مشخص می شوند. البته باید گفته شود که دستگاه از دو ورد تشکیل شده است. وظیفه اصلی ورد ایجاد دهانه کار و عبور نخ پود از لای این نخ ها می باشد. (نخ های تار)
۳	شانه	شانه شکلی شبیه به شانه مو دارد که از بالا و پایین بسته شده است. جنس آن از چوب بوده و فاصله بین دندانها بسیار کم می باشد، وظیفه آن محکم کردن پود در لای تار می باشد. این عمل با کوبیدن مکرر شانه بر روی هر نخ پودی که از لای تارها رد می شود انجام می گیرد.
۴	عروسک و پرک	عروسک و پرک در واقع یک قرقره چوبی است که از یک سو توسط ریسمانی از دو پایه عمودی دستگاه پاچال آویزان است و از سوی دیگر به وردها و پدال دستگاه متصل است. و سبب می شود که با فشار پای بافنده بر روی پدال نخ ورد که بر روی شیار پرک قرار دارد کشیده شده و وردها را به حرکت در می آورد
۵	لتاک (تخته ایجد طرح)	این تخته ها سه تکه اند که فقط در بافت چادر شب ها ی نقش دار استفاده می شوند که با کمک این تخته ها نخ های (تارها) ایجاد کننده طرح را مشخص می کنند.



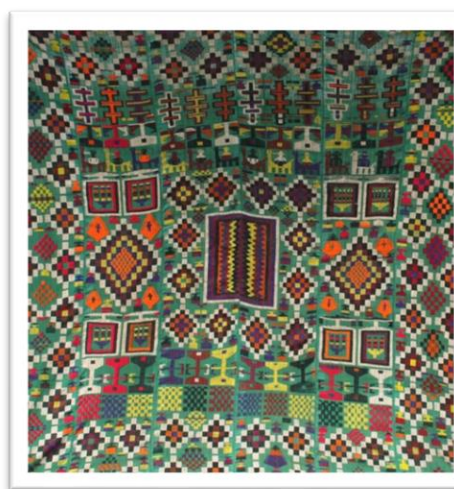
۶	چوب نگهدارنده	در دستگاه دو چوب نگهدارنده وجود دارد یکی نگهدارنده نورد عقب و یکی نگهدارنده نورد جلو می باشد که این چوبها داخل سوراخ هایی که در نورد وجود دارد قرار می گیرند تا مانع حرکت نورها شوند.
۷	ماسو کوچک و ماکو	بر وردی کوچک بوسیله دستگاه چرخ پود پیچیده می شود و این ماسوره را داخل ماکو قرار می دهند که براحتی بتوان آن را از لای تارها عبور داد.
۸	چوب ارج	چوب ارج برای تنظیم کردن اندازه کار به کار برده می شود
۹	پدال	وظیفه پدال باز کردن دهانه ورد می باشد و این کار بدین صورت می گیرد که هر کدام از پدال ها به یکی از وردها متصل است ، با فشار پا بر روی هر کدام آن ورد مربوط پایین آمده و ورد دیگر بالا می رود ، و بدین طریق وردها ایجاد دهانه کار می کند.

#### ۴-ویژگی چادرشب قاسم آباد گیلان

چادرشب که در بسیاری از مناطق ایران بویژه در روستاها بافته می شود، معمولاً در طول و عرض ۲ متر بوده و برای پیچیدن تشک، لحاف، البسه و نظایر آن مورد استفاده قرار می گیرد. چادرشب معمولاً دارای تاروپود نخ پنبه ای بوده و از طرح های ساده نیز برخوردار است ولی چادرشبی که در روستای قاسم آباد رودسر استان گیلان بافته می شود، اغلب چنین کاربردهایی نداشته بلکه به سبب طرح و رنگ بندی زیبا و جالبی که دارد بیشتر برای روتختی، پرده ای، یا به صورت تکمیلی به شکل لباس، جلیقه، کلاهک و آباژور و غیره از آن استفاده می شود (یاوری، ۱۳۹۳). چادرشب در قاسم آباد گیلان از وجهه ی خاصی برخوردار است که هر عروس قاسم آبادی حتماً می بایست یک چادر شب یکرنگ ابریشمی را به عنوان جهیزیه با خود ببرد. لازم به توضیح است که چادرشب قاسم آباد دو نوع است یکی به صورت چهارخانه که با آن چادرشب ساده نیز گفته می شود (تصویر ۲) و نوع دیگر آن چادر شب یکرنگ که با اشکال مختلف و تقریباً مشابه و متقارن با هم بافته می شود که به آن گاها چادرشب طرح دار نیز گفته می شود (تصویر ۳) این چادرشب از ارزش کمی و کیفی بالاتری نسبت به چادرشب ساده برخوردار است. در گویش محلی به چادرشب چهارخانه چاشو ساده و چادرشب یکرنگ چادرشب چرخ و بوته گفته می شود (محمدی، ۱۳۹۳). و در بعضی مناطق به لاوند، چارشو و کمردید معروف است (مجایی، ۱۳۸۸). چادرشب چهارخانه شامل چادرشب های بدون نقش، چهارخانه ، هشت خانه و شطرنجی می باشد که برای تهیه لباس زنانه و پیراهن مردانه و از نوع چهار و هشت خانه برای پوشش کمر و رختخواب پیچ استفاده می شود. در بافت چادرشب های چهارخانه و هشت خانه، تار و پودها هر دو نمایان و هر کدام دارای رنگ های مختلفی می باشند و نامگذاری بر اساس رنگ قالب یا عمدتاً بر اساس کاربرد آنها استفاده می شد. و از چادرشب یکرنگ که دارای نقوش متنوع زمینه یا تاروپود یکرنگ می باشد، بعنوان رختخواب پیچ، رومیزی و تزیین حجله عروس، روتختی، کوسن، روبالشتی (تصویر ۴) و در گذشته علاوه بر این موارد برای دوخت قبا که زنان در جشن ها آنها را بر روی لباس خود می پوشیدند استفاده می شده است (جاوید، ۱۳۹۰).



تصویر ۲- نمونه ای از پارچه چادرشب ساده "چهارخانه و راه" (محمدی، ۱۳۹۳)



تصویر ۳- نمونه ای از پارچه چادرشب یکرنگ، طرح دار (visitiran)

چادرشب تولیدی در قاسم آباد رودسر معمولاً ۵ دسته تقسیم می شود: ۱- چادرشب معمولی که دارای تار و پود نخ پنبه ای است. ۲- چادرشب از ابریشم و نخ پنبه ای. ۳- چادرشب از ابریشم درجه سه که در زبان محلی به ابریشم درجه سه، کج یا گیجن می گویند. ۴- چادرشب از ابریشم خالص که در واقع مرغوب ترین نوع چادرشب است. ۵- چادرشب از نخ پنبه ای و کاموا که البته این نوع چادرشب از اصالت چندانی برخوردار نیست (یاوری، ۱۳۹۳). ویژگی چادرشب این منطقه از هفت تا هشت تکه به هم دوخته شده، تشکیل می شود عرض هر کدام از این تکه ها ۳۰ سانتیمتر و طول آن ۲۰۰ سانتیمتر است. رنگ هایی که برای نقش اندازی روی چادر شب به کار می رود معمولاً تند و پررنگ هستند ولی هماهنگی خاص خود را دارا می باشند. بهترین نوع چادر شب، چادری است که متن و نقش آن از ابریشم باشد، رنگی که برای رنگ کردن مواد اولیه چادر شب به کار می رود،



باید ثابت باشد، برای رنگ کردن ماده اولیه از رنگ قرمز تند و نیز رنگ هایی با زمینه ی قرمز مثل جگری، گلی، آجری و نظایر آن استفاده می شود (یاوری، ۱۳۷۴).



تصویر ۴- نمونه هایی کاربردی از پارچه چادرشب طرح دار در شغل، رومیزی، روتختی (haft.gallery)

#### ۱-۴ تأثیر الیاف، نقوش و رنگ در چادرشب گیلان

##### ۱-۱-۴ تأثیر الیاف

الیافی که از نظر سنتی بودن ارزش دارد و دارای اصالت می باشد و در گذشته زیاد از آنها استفاده می شده الیاف ابریشم و گاه پنبه می باشند. علت استفاده از لیف ابریشم که در زبان محلی به آن کچ می گویند این می باشد که تولید آن در خود روستا انجام می گیرد یعنی مردم این روستا به پرورش کرم ابریشم نیز می پردازند و با استفاده از پيله کرم ابریشم و رسیدن آن نخ ابریشم برای این کار را تهیه می کنند و الیاف پنبه را نیز از بازار تهیه می کردند. بافندگان گاه در بافت از تار و پود پنبه گاه از تار ابریشم و پود پنبه استفاده می کردند. الیافی که بعدها جایگزین ریس های طبیعی شد الیاف ویسکوز و پنبه مصنوعی و نایلون می باشد که به این الیاف امروز الیاف کاموا و نایلون نیز اضافه شده اند. شاید یکی دیگر از دلایل استفاده از این الیاف فراوانی و در دسترس بودن و همچنین ارزان بودن این الیاف باشد که بافنده به راحتی می تواند رنگ دلخواهش را در بازار تهیه کند و در بافت خود به کاربرد و در این شرایط تنوع رنگی بهتری را نیز در اختیار خواهد داشت. بافت چادر شب های ابریشمی در قاسم آباد کم کم رو به فراموشی است ولی چادرشب های پنبه ای با آنکه رونق گذشته را ندارد، اما هنوز فراموش نشده است. پروفیسور پوپ به زری بافی در چادرشب های ابریشمی اشاره می کند، در صورتی که امروزه سال ها است که در چادرشب های ابریشمی قاسم آباد زری بافی مشاهده نمی شود (مجابی، ۱۳۸۸).



## ۴-۱-۲ تاثیر نقش

بطور کلی چادرشب از نظر ترکیب کلی، به سه دسته: راه راه، چهارخانه و نقش دار و از نظر نقشمایه به پنج دسته گیاهی، حیوانی، انسانی، اشیا پیرامون، عوامل طبیعت و هندسی قابل تقسیم است. که در این تحقیق به بررسی نقوش گیاهی آن می پردازیم. رجبی در مورد نقش گیاهان می گوید: «پیش از اسلام و در دوره های هخامنشی نیز گیاهان همواره مورد توجه بوده و نمونه هایی از نقوش گیاهی روی نقش برجسته ها به چشم می خورد. به عنوان مثال گل نیلوفر آبی یا لوتوس با رنگ آبی، آبی کمرنگ و صورتی، نشانه یا نماد رویش و زایش بوده است در گیلان باستان درخت مورد توجه مردم منطقه بوده است (رجبی، ۱۳۸۱). گواه این مطلب، نقشمایه های گیاهی آثار به دست آمده از کاوش ها و نظریات باستان شناسی در مناطق مختلف گیلان و همچنین اسناد و مدارک مکتوب به جا مانده از تمدن دوران باستان گیلان است. درخت و گیاه به علت مقدس بودن و برطرف نمودن برخی از نیازهای بشر، در بین گیلانیان اهمیت خاصی داشته و جای خود را در فرهنگ و هنر این سرزمین از جمله قاسم آباد باز کرده است. گیاهان یکی از نقش مایه های تشکیل دهنده دستبافته های قاسم آباد بوده و از تنوع زیادی برخوردارند. از جمله نقوش مشترک گیاهی به تصویر در آمده روی چادرشب و آثار مکشوفه از تپه های باستانی منطقه الف - درخت زندگی ب - نقوش ساقه ای ج - شاخه های برسم می باشد.




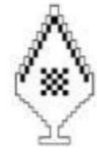




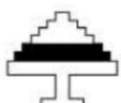
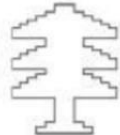


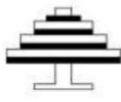
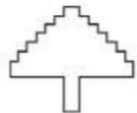
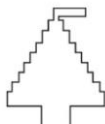


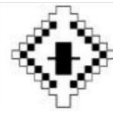
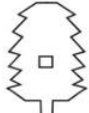



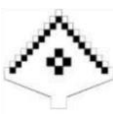
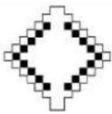
## ۴-۱-۲-۱ نقش گیاهی

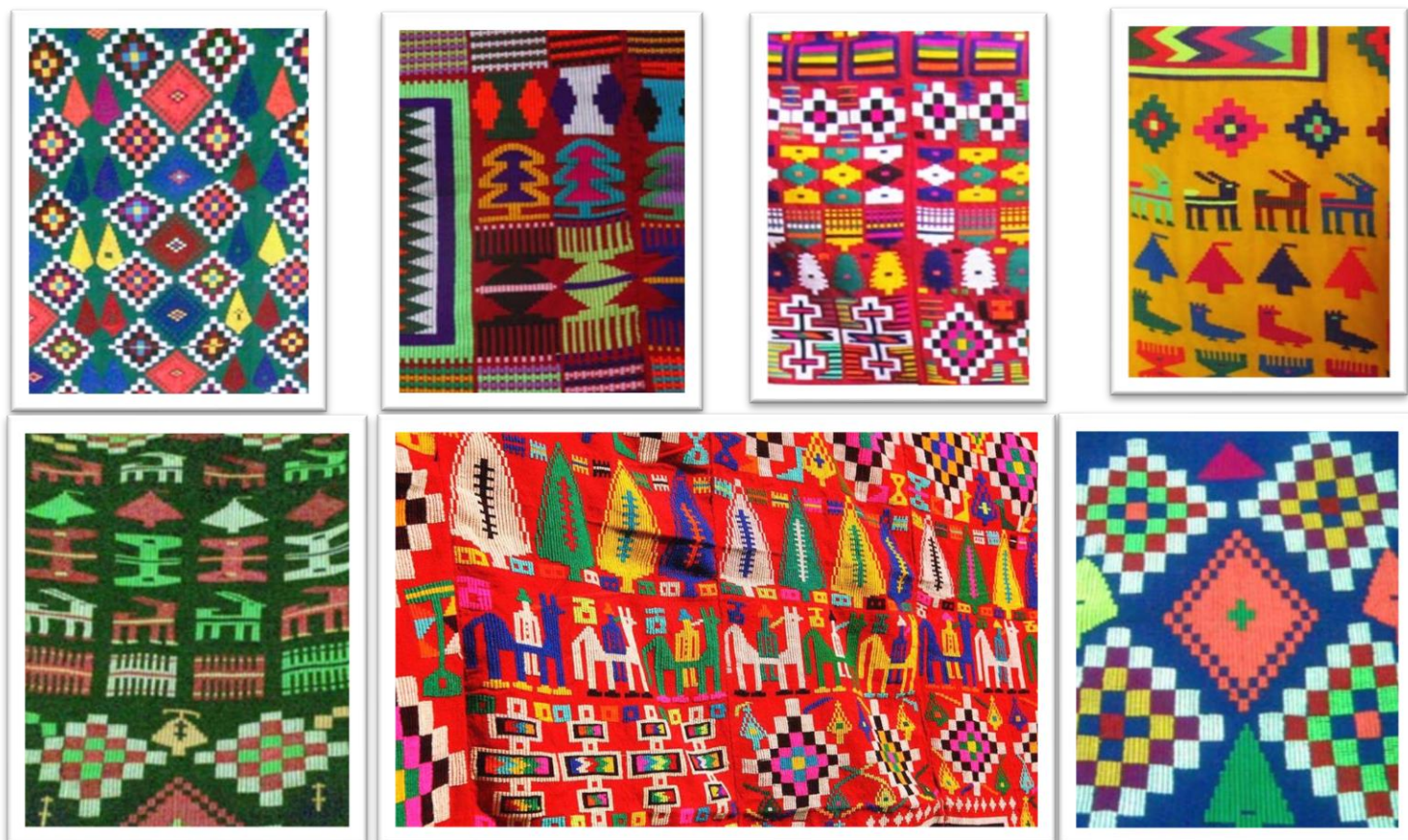
فرهنگ بومی گیلان، برانگیخته از فضای جغرافیایی سرسبز منطقه است و استادکاران گیلانی از نقوش گیاهی در دستبافته های خویش استفاده می کنند. درخت و گیاه به دلیل کرامت آن و برطرف نمودن برخی نیازهای بشری در بین گیلانیان اهمیت خاصی دارد. درختهای سرخس، کاج، سرو، درخت نماد زندگی و همچنین گلبرگ و پامچال از جمله رایج ترین نقشمایه های هنرمندان این منطقه هستند. استادکار گیلانی به دلیل اینکه هر روزه با طبیعت بکر گیلان روبرو می شود، تمایل پیدا می کند که از گل و گیاه در بافت استفاده نماید. نقوش گیاهی در چادرشب گیلان با حداقل اشکال بافته شده و انتزاعی می باشند. این نقوش تنها بخشی از گیاه را در ذهن مخاطب تداعی می کنند و عین واقعیت نیستند.

## ۴-۱-۲-۱-۱ درخت زندگی

درخت سرو در ایران نمادی است از سلامتی و جاودانگی که یکی از آرمانهای بشر بوده است. این درخت هیچگاه خشک نمی شود و جاودان است و درخت زندگی نام دارد (کاظم پور، ۱۳۸۹). این درخت هیچگاه خشک نمی شود و جاودان است به همین دلیل درخت زندگی نام دارد (کوه نور، ۱۳۸۴). این نقش در بین گیلانیان به نام سلم دار یا زرین دار مشهور است. دار در گویش گیلکی همان درخت می باشد. در حفاریهای تپه مارلیک جامههایی کشف گردید که این نقش روی آنها حکاکی شده بود (نگهبان، ۱۳۷۸). نمونه مشابه این نقش روی چادرشب قاسم آباد بافته می شود (جدول ۲). در تصویر ۵ نمونه های متنوعی از نقش درخت زندگی را می بینیم که شباهت فراوانی به نقش درخت زندگی جامههای مکشوفه از مارلیک دارد. با این تفاوت که نقش درخت زندگی روی جامههای زرین مارلیک دارای انعطاف بیشتری است ولی نقش روی چادرشب به علت محدودیت هایی که در بافندگی دارد، دارای ساختاری هندسی می باشد.

جدول ۲- نقوش گیاهی درخت زندگی (سلم دار) بکار رفته در چادرشب گیلان (نگارندگان)



تصویر ۵- نمونه ای از نقش درخت زندگی (سلم دار) در چادر شب گیلان (محمدی، ۱۳۹۳)

## ۲-۱-۲-۴ بالان بوتان یا چرخ بوته

یکی از ساده ترین نقوش بکار رفته در چادرشب چرخ بوته است (تصویر ۶) با الهام گرفتن از بوته های بزرگ که در اطراف درختچه های موجود در محیط زندگی خود بهره برده اند. این نقشمایه عمدتاً به همراه نقشمایه خشت بوته به کار می رود. عمدتاً این نقش را بر روی زمینه های تیره از قبیل مشکی، قهوه ای، زرشکی و سرمه ای که رنگ طرح ها شامل قرمز، سبز، نارنجی، زرد و سفید بافته می شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱).





تصویر ۶- نمونه ای از نقش چرخ بوته یا بالان بوتان در چادر شب گیلان (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱)

۳-۱-۲-۴ چلچراغ یا نقوش ساقه ای (خاجی - صلیبی)

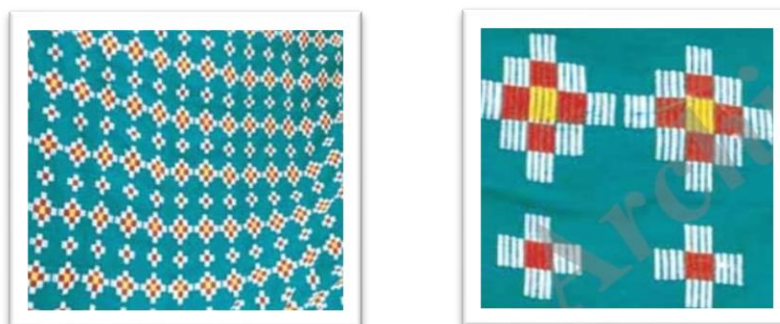
این نقش نماد حیات و جاودانگی در رشد بالندگی است و شبیه به ساقه ی گیاه می باشد که می تواند دو ساقه ای یا چند ساقه ای باشد. این نقش شاید بر گرفته از شاخه های مختلف گیاهان مثل نقش ساقه سوسن چلچراغ باشد این نقش روی چادر شب بافته می شود و نام محلی این نقش چلچراغ می باشد. (تصویر ۷)



تصویر ۷- نمونه ای از نقش چلچراغ یا چند ساقه ای در چادر شب گیلان (عضدی، ۱۳۹۲)

۴-۱-۲-۴ گل وچینی

در بافت این نوع چادر شب از نخ یکرنگ استفاده می شود و تنها تفاوت در ضخامت نخ ها می باشد که معمولاً ضخامت نخ تار بیشتر از پود است (تصویر ۸). برای ایجاد نقش در این نوع چادر شب معمولاً کل نخ های تار را تقسیم می کنند بدین صورت که نخ های تار را به دسته های پنج تایی می کنند که هر پنج نخ تار را برداشته و یکی را رد می کنند. این طرح که از گل الهام گرفته شده به صورت هندسی و انتزاعی بر روی زمینه سبز که نماد سبزی برگ ها اطراف گل است با رنگ های زرد، قرمز و سفید بافته می شود (دیلمی، ۱۳۹۱).



تصویر ۸- نمونه ای از نقش گل وچینی در چادر شب گیلان (دیلمی، ۱۳۹۱)



#### ۵-۱-۲-۴-۱ شاخه انار ( شاخه برسم )

در دوره ی ساسانیان شاخه های انار را در دست پادشاهان می بینیم که در اعمال مذهبی به دست می گرفتند. به این شاخه ها برسم می گفتند. انار با دانه های پر بارش نماد زایش و برکت است (قلی زاده ، ۱۳۸۸). درخت انار وحشی از جمله درختانی است که در جنگلها و کوهستانهای گیلان به وفور یافت می شود . نقش انار بارها روی آثار تمدن مارلیک به تصویر در آمده است. در قطعه خُرد شده ی سفالی که از کشفیات تپه مارلیک به دست آمده است زنی را نشان می دهد که شاخه ی اناری در دست گرفته است (تصویر ۹). در تصاویر بافته شده روی چادرشب (تصویر ۱۰) نقشی مشابه به نقش شاخه انار (برسم) دیده می



شود. این نقش بسیار شبیه شاخه در دست زن حکاکی شده در ظرف مارلیک می باشد . از آنجایی که این گیاه در اعمال مذهبی استفاده می شد ، می توان گفت که برای بافندگان چادرشب نقش مقدسی به شمار می آید.

تصویر ۹: قطعه سفال - تپه مارلیک (عربانی، ۱۳۷۴) تصویر ۱۰- نقش شاخه انار در چادر شب گیلان (عابدوست و محمدی، ۱۳۹۳)

#### ۶-۱-۲-۴-۱ خشتی بوته

در طراحی بافت خشتی بوته از انواع بوته های کوچک که در اطراف محل زندگی بافندگان قرار دارو الهام گرفته می شود و آن را به صورت هندسی، انتزاعی که برداشت هنرمندان بافنده از بوته می باشد و فکر خود را بر روی این نوع دست بافت اجرا می نماید این نقش می تواند کل سطح یک چادر را شامل شود (تصویر ۱۱). یک ردیف از نقوش خشتی بوته در کنار هم را اصلاحا یلهتاک می گویند. در صورتی که یلهتاک ها در بین راه راه های افقی در چادرشب محصور گردند در این صورت چادرشب دارای نقش لونگ (لنگ) است. رنگ معمول در این طرح قرمز، زرد، بنفش، سبز ، آبی ، سفید، قهوه ای و مشکی می باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱).





## تصویر ۱۲- نقش خشتی بوته در چادرشب گیلان (asemoon)

### ۳-۴ تاثیر رنگ بکار رفته در چادر شب

در منطقه قاسم آباد بافندگان با زندگی در طبیعت رنگارنگ پیرامون خود و مخصوصاً اشتغال به باغداری و پرورش گل‌ها و گیاهان زینتی هر روز با رنگ‌های زیبای طبیعت روبرو بوده‌اند. از طبیعت به عنوان بزرگترین و جامع‌ترین معلم زیبایی درس نقش و رنگ می‌گیرند. بافندگان چادرشب در قاسم آباد زیبایی شناسی علمی خود را در خصوص چینش رنگ‌ها در دستبافته برگرفته از دامان طبیعت منطقه می‌دانند. رنگ چادرشب از سلیقه محلی منطقه گیلان حکایت می‌کند رنگ زرد اکثراً در کنار رنگ تیره، مانند بنفش یا سیاه به کار می‌رود. رنگ قرمز نیز در کنار رنگ سبز استفاده می‌شود که نشان دهنده شناخت عمیق رنگ توسط بافتگان چادر شب قاسم آبادی است. همچنین نوارهای تزئینی در متن قرمز، ترکیبی از رنگ‌های سبز، زرد و صورتی یا کاله، آبی، نارنجی، موشوم آبی (بنفش)، سیاه و سفید استفاده می‌شود (مجایی، ۱۳۸۸). رنگ بکار رفته در این منسوج اغلب تند و شاد بوده و بافندگان به منظور ایجاد درخشش و جلوه بیشتر از طبیعت الهام گرفته و رنگ‌های سرد و گرم در کنار هم بکار می‌برند (قاسمی، ۱۳۸۵). برای رنگرزی این الیاف نیز از رنگ‌های طبیعی و روش‌های سنتی استفاده می‌کردند و این رنگ‌ها شامل: پوست انار، روناس، پوست گردو، زرد چوبه، نیل و غیره می‌باشد که معمولاً از رنگ روناس بیشترین استفاده را می‌کردند چون رنگ قرمز را به آنها می‌داده که رنگ غالب در چادر شب نیز رنگ قرمز است و از نظر روانشناسی نیز یکی از دلایل استفاده زیاد رنگ قرمز در چادر شب سبز بودن محیط زندگی بافندگان و نیاز به رنگ مکمل آن می‌باشد. پس از تاسیس کارگاه صنایع دستی در این روستا پای الیاف مصنوعی زیادی به این روستا باز شد که این خود یکی از دلایل متروک شدن الیاف طبیعی در این صنعت می‌باشد. البته از دیگر دلایل آن می‌توان به تغییر سلیقه مردم در استفاده از رنگ‌های متنوع و پیروی از مد اشاره کرد. یکی از عوامل دیگر نیز رنگ دهی لیف ابریشم که توسط خود بافنده رنگرزی می‌شده است و به دلیل عدم ثبوت رنگ کم کم این رنگ‌ها متروک شدند.

### ۵- نتیجه گیری

از توضیحات ارائه شده در مورد این هنر سنتی، می‌توان نتیجه گرفت که چادرشب بافی علاوه بر جنبه کاربردی برای مردم روستا تا حدودی نیز جنبه تفریحی و اقتصادی نیز دارد. در بررسی و تحلیل ریشه‌های تصویری نقوش چادرشب با آثار کهن منطقه، این نتیجه به دست آمد که بسیاری از نقوش به کار رفته در چادرشب‌ها، در پیشینه‌ی تاریخی این منطقه از جمله تمدنهای مارلیک و املش به تصویر درآمده است. درباره مطالعه نقوش می‌توان گفت که، برخی نقوش چادرشب با آثار کهن مشابهت دارد از جمله این نقوش، نقشی است که به نام سلم دار یا زرین دار مشهور است که همان نقش درخت زندگی می‌باشد. این نقش مشترک بین چادرشبه‌ها و آثار مکشوفه از مارلیک و املش می‌باشد. آنچه مسلم است، این است که این نقوش زنده‌اند و از نسلی به نسل دیگر به صورت میراث شفاهی منتقل گردیده‌اند. اگر چه نقوش روی چادرشب به دلایل فنی شاید آنقدر شبیه به نقوش کهن نباشند ولی دارای بن مایه‌های تصویری مشترکی می‌باشند که در اذهان اجداد و نیاکان ما که در این منطقه می‌زیستند، وجود داشته است. در مورد ماده اولیه نیز می‌توان گفت که تغییر آن عمدتاً به دلیل تغییر ذائقه افراد در رنگ‌های به کار رفته در پارچه و تا حدودی صرفه جویی در زمان و تولید بیشتر است، اما با وجود چنین مزیت‌هایی باید در حفظ آن تلاش کرد تا این هنر زیبا اصالت و جوهر خود را حفظ کند. دلیل استفاده از رنگ قرمز، رنگ غالب در چادر شب این است که مکمل سبزی طبیعت شمال است. پارچه چادرشب طرحدار با اینکه پیچیدگی بیشتر و بافت منقوش آن سخت‌تر اما بافت آن بیشتر می‌باشد. چون نقوش رایج در آن چه از نظر نقوش سنتی و چه از نظر نقوش جدید وسعت زیادی دارد و نوع کاربردی آن نیز بیشتر است و کاربرد آن در مناطق شهری نیز رواج زیادی یافته است.



## ۶- منابع

- جلالی، ناهید، ۱۳۷۶، چادرشب با انگیزه ای هنر و صنعت، جهاد روستا، شماره ۳۵۰: ۲۶.
- سیدصدر، سیدابوالقاسم، ۱۳۸۶، دایره المعارف هنرهای سنتی دستی و حرفه مربوط به آن، تهران، سیمای دانش.
- اصلاح عربانی، ابراهیم، ۱۳۷۴، کتاب گیلان، جلد سوم، تهران، انتشارات گروه پژوهشگران ایران.
- نگهبان، عزت الله، ۱۳۷۸، حفاری های مارلیک، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- عابد دوست، کلثوم و محمدی اردکانی، جواد علی، ۱۳۹۳، بررسی و تحلیل نقوش چادرشب گیلان، مجله علم و فرهنگ، سال اول، شماره ۲.
- موسوی، سیده میمنت، ۱۳۸۳، هنرهای ایران، تهران، بنیاد ملی ایران شناسی.
- گیرشمن، رمان، ۱۳۷۱، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نگهبان، عزت الله، ۱۳۷۶، مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یاوری، حسین و سرخوش، شیدا، ۱۳۸۹، کتاب آشنایی با لباس ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران، جلد ششم، تهران، انتشارات آذر و سیمای دانش.
- مجابی، سید علی و فنایی، زهرا، ۱۳۸۸، چادر شب بافی قاسم آباد، فصلنامه فرهنگی اجتماعی فرهنگ مردم، سال هشتم.
- یاوری، حسین، ۱۳۹۳، کتاب نساجی سنتی ایران، جلد سوم، تهران، انتشارات سوره مهر.
- محمدی، زکیه، ۱۳۹۳، مطالعه تطبیقی نقوش دست بافته های استان گیلان (چادرشب، گلیم و جوراب)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان استاد راهنما دکتر بیتا مصباح.
- جاوید، مهتاب، ۱۳۹۰، مستند مشاغل خانگی چادر شب بافی، رشتی دوزی و مرور بهفی، جلد اول، رشت، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان گیلان.
- یاوری، حسین، ۱۳۷۴، پارچه بافی در ایران از دیر باز تا کنون، تهران، سازمان صنایع دستی ایران.
- رجبی اصل، موسی، ۱۳۸۱، نقش و رنگ در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، تهران، انتشارات شیخ صفی الدین اردبیلی، چاپ اول، شماره ۳۱ و ۳۲، ص ۷۳ - ۹۴.
- کاظم پور، زیبا، ۱۳۸۹، بررسی درخت زندگی در هنر ایران و نمود آن بر فرش های ایرانی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، با استاد راهنما دکتر بهار مختاریان.
- کوه نور، اسفندیار، ۱۳۸۴، بررسی نقوش نمادین یا سمبولیک در هنرهای سنتی ایران، تهران، انتشارات نور حکمت، چاپ اول.
- ابراهیمی میمند، نسرين، داودی، ابوالفضل، صفی یاری، نوشین، ۱۳۹۱، بررسی نقوش چادرشب قاسم آباد گیلان، فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقشمايه، سال پنجم، شماره سیزدهم.
- دیلمی، رضا، ۱۳۹۱، جمع آوری اطلاعات میدانی و تصویربرداری از ابزار بافت چادرشب بافی



عضدی، سارا، ۱۳۹۲، رنگ و نقش در بافته ای منتخب گیلان با تاکید بر فرم های نمادین انسانی، حیوانی و گیاهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای تجسمی تهران، استاد راهنما حمید رضا نوروزی طلب

قلی زاده ، خسرو ، ۱۳۸۸ ، فرهنگ اسطوره های ایرانی بر پایه ی متون پهلوی ، تهران ، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه ، چاپ دوم.

قاسمی اندرود، مریم، ۱۳۸۵، شناسایی و مستند سازی هنرهای سنتی (هنرهای صناعی) شرق استان گیلان، رشت، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

<https://www.vmic.ir>

<https://www.visitiran.ir>

<https://www.haft.gallery.ir>

<https://www.asemooni.com>



## Abstract

One of the cultural symbols in different countries of the world and Iran is the local dress. The night tent is a valuable handwoven that is woven manually by a pachal machine . These pieces vary in design, color, shape, depending on the climate of the regions, and are usually woven in an improvised form, mostly in a carved form. In this texture, you can see traces of the art of the past, as well as the influence of nature and indigenous culture of each region. this beautiful texture is the result of the taste of the women of Gilan who intertwined the colors with the width of the beautiful nature of Gilan and created a beautiful cover that is still alive. In this article, we have tried to use this ancient handwoven in today's modern world with the aim of understanding the background of the weaving of the night tent and analyzing the role of plant matter in the night tent of the women of Qasemabad Gilan. The results of this study show that the lifestyle, beliefs and beliefs, customs and even geography of the Weaver's rural living area influenced the formation of the motifs used in the night tent. Also, the local dress of Gilan is one of the best local clothing that remains of our ancestors should be preserved and preserved as a national identity, World Heritage and cultural heritage due to the variety of colors and types of clothing.

**Keywords:** tent night, World Heritage, traditional texture, plant motifs, Pachal machine